

چگونه اقتصاد زیرزمینی رمق تولید ملی را می گیرد؟

قاچاق، قاتل خاموش کار آفرینی



ابعاد پنهان یک بحران مزمن

میان تولیدکنندگان داخلی و عرضه‌کنندگان کالای قاچاق است. تولیدکننده داخلی موظف به پرداخت مالیات، عوارض گمرکی، هزینه‌های بیمه، دستمزد و سایر الزامات قانونی است. در حالی که کالای قاچاق بدون تحمل این هزینه‌ها وارد بازار می‌شود. این تفاوت ساختاری در هزینه‌ها، باعث می‌شود نرخ نهایی کالای قاچاق به‌طور محسوسی پایین‌تر باشد. در نتیجه، حتی اگر کیفیت تولید داخلی قابل قبول باشد، مصرف‌کننده به‌دلیل محدودیت قدرت خرید، به سمت کالای ارزان‌تر سوق پیدا می‌کند. این روند به‌مرور سهم بازار تولیدکنندگان داخلی را کاهش داده و آنها را در مسیر زیان‌دهی قرار می‌دهد. تعطیلی کارگاه‌های کوچک و متوسط، کاهش ظرفیت تولید و در نهایت خروج سرمایه‌گذاران از بخش تولید، از پیامدهای طبیعی چنین فضایی است. در واقع، قاچاق نه‌فقط یک تهدید اقتصادی، بلکه یک عامل بازدارنده جدی برای توسعه صنعتی محسوب می‌شود.

هزینه‌های پنهان برای دولت و جامعه

حمایت از تولید داخلی اتخاذ می‌شود، اما در عمل می‌تواند به افزایش انگیزه برای قاچاق منجر شود. زمانی که تقاضا برای یک کالا در بازار وجود داشته باشد اما مسیر رسمی تأمین آن مسدود شود، مسیرهای غیررسمی فعال می‌شوند. این مسئله نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری در حوزه تجارت باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های بازار و رفتار مصرف‌کننده انجام شود.

راهکارها؛ از پیشگیری تا اصلاح ساختارها

کارشناسان معتقدند مقابله مؤثر با قاچاق نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ است. این اقدامات را می‌توان در چند محور اصلی دسته‌بندی کرد: تقویت تولید داخلی از طریق کاهش هزینه‌های تولید، اصلاح نظام مالیاتی و تسهیل فضای کسب‌وکار، ایجاد اشتغال پایدار به‌ویژه در مناطق مرزی برای کاهش انگیزه‌های اقتصادی قاچاق، افزایش شفافیت اقتصادی و مبارزه با فساد اداری، بازنگری

قاچاق کالا سال‌هاست به یکی از چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران تبدیل شده؛ پدیده‌ای که نه تنها منابع درآمدی دولت را تضعیف می‌کند، بلکه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بنیان‌های تولید ملی و کار آفرینی را نیز هدف قرار داده است. آمارهای رسمی هرچند قدیمی، از حجم میلیاردری قاچاق حکایت دارند؛ اما واقعیت میدانی نشان می‌دهد این ارقام به‌مراتب فراتر رفته‌اند، به‌ویژه در شرایطی که سیاست‌های محدودکننده واردات و ممنوعیت‌های گسترده، انگیزه‌های جدیدی برای فعالیت‌های غیررسمی ایجاد کرده‌اند. در چنین فضایی، تولیدکننده داخلی که با هزینه‌های بالای تولید، مالیات، بیمه و موانع اداری دست‌وپنجه نرم می‌کند، در رقابت با کالای قاچاق عملاً زمین‌گیر می‌شود. نتیجه این چرخه معیوب، نه‌فقط تعطیلی بنگاه‌ها، بلکه تغییر جهت نیروی کار از فعالیت‌های مولد به سمت دلالی و واسطه‌گری است. این گزارش تلاش دارد با نگاهی تحلیلی، ارتباط میان قاچاق کالا و افول کار آفرینی را بررسی کرده و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن را در بستر اقتصاد ایران واکاوی کند.

براساس آخرین برآوردهای رسمی منتشرشده از سوی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، حجم قاچاق ورودی در سال ۱۳۹۷ حدود ۱۲.۱ میلیارد دلار و قاچاق خروجی ۲.۹ میلیارد دلار بوده است. این ارقام با وجود آنکه مربوط به چند سال پیش هستند، همچنان به‌عنوان شاخصی برای درک ابعاد این پدیده مورد استناد قرار می‌گیرند. روش محاسبه این اعداد مبتنی بر شکاف عرضه و تقاضا است؛ روشی که به‌طور طبیعی با عدم‌طاعت‌هایی همراه است، اما در عین حال نشان‌دهنده عمق نفوذ قاچاق در اقتصاد کشور است.

با توجه به تشدید محدودیت‌های تجاری در سال‌های اخیر و ممنوعیت واردات هزاران قلم کالا، بسیاری از کارشناسان معتقدند حجم واقعی قاچاق نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش نیز پیدا کرده است. در چنین شرایطی، قاچاق به‌جای یک فعالیت حاشیه‌ای، به بخشی از سازوکار تأمین کالا در بازار تبدیل شده است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای قاچاق کالا، ایجاد رقابت نابرابر

قاچاق کالا تنها به تولیدکنندگان آسیب نمی‌زند، بلکه هزینه‌های قابل توجهی را نیز به دولت تحمیل می‌کند. کاهش درآمدهای گمرکی و مالیاتی، از جمله این هزینه‌هاست. علاوه بر این، دولت ناچار است منابع قابل توجهی را صرف کنترل مرزها، ایجاد ایستگاه‌های بازرسی و نظارت بر بازار کند. اما هزینه‌ها به همین‌جا ختم نمی‌شود. قاچاق در برخی موارد با فعالیت‌های سازمان‌یافته و حتی شبکه‌های فساد اداری گره خورده است. این مسئله می‌تواند اعتماد عمومی به نهادهای اقتصادی و حاکمیتی را کاهش دهد.

از سوی دیگر، در برخی مناطق مرزی، فعالیت‌های مرتبط با قاچاق با خطرات جانی همراه است. کولبران و افرادی که در این حوزه فعالیت می‌کنند، در معرض تهدیدات جدی قرار دارند که این موضوع به یک چالش اجتماعی نیز تبدیل شده است.

برخلاف تصور رایج، قاچاق صرفاً نتیجه ضعف نظارت یا کنترل مرزها نیست، بلکه ریشه‌های عمیق اقتصادی دارد. نرخ بالای بیکاری، تورم مزمن، کاهش قدرت خرید و نبود فرصت‌های شغلی پایدار، از جمله عواملی هستند که افراد را به سمت فعالیت‌های غیررسمی سوق می‌دهند. در چنین شرایطی، قاچاق برای برخی افراد به یک راهکار معیشتی تبدیل می‌شود. بنابراین، برخورد صرفاً امنیتی با این پدیده، نه‌تنها کافی نیست، بلکه ممکن است بدون ارائه جایگزین‌های اقتصادی، به تشدید مشکلات اجتماعی منجر شود.

سیاست‌های تجاری و اثرات ناخواسته

یکی از عوامل مهم در گسترش قاچاق، سیاست‌های محدودکننده تجاری است. ممنوعیت واردات برخی کالاها، هرچند با هدف

بازار کار ایران در آستانه یک تغییر نسلی قرار گرفته؛ تغییری که به گفته معاون وزیر کار، تنها به جابه‌جایی نسل‌ها محدود نمی‌شود و الگوی اشتغال، رابطه کارگر و کارفرما و حتی قوانین کار را تحت‌تاثیر قرار خواهد داد. حسینی می‌گوید اکنون بیش از ۳۰ درصد بازار کار رسمی کشور را متولدین دهه ۷۰ به بعد تشکیل می‌دهند، و در صورت بی‌توجهی به این تحولات، در دو دهه آینده با کمبود نیروی انسانی مواجه خواهیم شد.

معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه در بازار کار، تحول نسلی در حال رخ دادن است، اظهار کرد: بر اساس آخرین داده‌های تأمین اجتماعی، اکنون بیش از ۳۰ درصد بازار کار رسمی کشور را متولدین دهه ۷۰ به بعد تشکیل می‌دهند. در سطح جهانی نیز براساس داده‌های مراکز معتبر، اکنون حدود ۶۰ درصد بازار کار در اختیار فریلنسرها یا آزادکارهاست؛ یعنی افرادی که برای خودشان کار می‌کنند. همچنین پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۳۰ این سهم به حدود ۸۰ درصد خواهد رسید. طبیعی است که این روند جهانی به بازار کار ایران نیز سرایت خواهد کرد.

تحول نسلی که امروز با ورود نسل «زد» و به تدریج نسل «آلفا» در حال شکل‌گیری است، نیروی کاری با ویژگی‌های شخصیتی متفاوتی را وارد بازار کار کرده است. این نسل‌ها انعطاف در محیط کار را بسیار مهم می‌دانند و در تعامل با کارفرمایان، به‌ویژه کارفرمایانی که متعلق به نسل‌های قبل هستند، با چالش‌هایی مواجه می‌شوند.

به باور معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ تحول نسلی که امروز با ورود نسل «زد» و به تدریج نسل «آلفا» در حال

تغییر الگوی اشتغال؛ از تولید به واسطه‌گری

یکی از آثار کمتر دیده‌شده قاچاق، تغییر در ترکیب نیروی کار است. زمانی که فعالیت‌های مولد با سود پایین و ریسک بالا همراه باشد و در مقابل، دلالی و واسطه‌گری سود بیشتری با پیچیدگی کمتر داشته باشد، نیروی کار به‌طور طبیعی به سمت فعالیت‌های غیرمولد حرکت می‌کند.

در اقتصاد ایران، این پدیده به‌وضوح قابل مشاهده است. بسیاری از افسران، به‌ویژه در مناطق مرزی یا در میان اقبال با درآمد پایین، به‌جای ورود به فعالیت‌های تولیدی، به مشاغل مانند خرید و فروش کالای قاچاق، حمل‌ونقل غیررسمی یا واسطه‌گری روی آورده‌اند.

این تغییر مسیر، در بلندمدت آثار مخربی بر اقتصاد دارد. زیرا کارآفرینی، نوآوری و تولید ارزش‌افزوده جای خود را به فعالیت‌هایی می‌دهند که عمدتاً فاقد ارزش افزوده واقعی هستند. نتیجه این روند، کاهش بهره‌وری کل اقتصاد و تضعیف بنیان‌های رشد پایدار است.

گروه گزارش
editor@smtnews.ir

موفقیت خصوصی‌سازی نیازمند ایجاد فضای رقابتی است



رئیس کارآفرینی، رفع موانع تولید و اشتغال مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: مهم‌ترین مطالبه فعالان اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری، ثبات قوانین، احترام به حقوق مالکانه و فراهم بودن محیطی شفاف

و قابل پیش‌بینی برای فعالیت‌های اقتصادی است.

سیدکریم معصومی، نماینده مردم فومن و شفت در مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با ایسنا با تأکید بر ضرورت بازتعریف نقش دولت در اقتصاد گفت: اجرای مؤثر سیاست‌های کلی اصل ۴۴، کاهش تصدی‌گری دولت و تقویت نقش بخش خصوصی، واقعی، از مهم‌ترین الزامات تحقق رشد اقتصادی، افزایش بهره‌وری و ایجاد اشتغال پایدار است.

وی در ادامه با بیان اینکه خصوصی‌سازی زمانی موفق خواهد بود که صرفاً به انتقال مالکیت محدود نشود، اظهار کرد: بلکه با ایجاد فضای رقابتی، ثبات در سیاست‌های اقتصادی، اعتمادآفرینی و تضمین حقوق مالکانه همراه باشد. سرمایه‌گذار زمانی با اطمینان منابع خود را وارد چرخه تولید می‌کند که از ثبات قوانین، امنیت سرمایه‌گذاری، احترام به مالکیت و پیش‌بینی‌پذیر بودن فضای کسب‌وکار اطمینان داشته باشد. رئیس فراکسیون کارآفرینی، رفع موانع تولید و اشتغال مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: دولت باید از بنگاه‌داری و تصدی‌گری فاصله بگیرد و نقش خود را بر سیاست‌گذاری، نظارت و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی متمرکز کند. همچنین تصمیم‌گیری‌های اقتصادی باید بر پایه مطالعات کارشناسی، ثبات مقررات و پرهیز از مداخلات غیرضرور باشد تا بخش خصوصی بتواند با انگیزه و اطمینان بیشتری در مسیر تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری حرکت کند.

نماینده مردم فومن و شفت در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه اقتصاد ایران برای دستیابی به رشد پایدار، نیازمند جلب اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و استفاده از ظرفیت سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب قوانین و منافع ملی است افزود: مهم‌ترین مطالبه فعالان اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری، ثبات قوانین، احترام به حقوق مالکانه و فراهم بودن محیطی شفاف و قابل پیش‌بینی برای فعالیت‌های اقتصادی است. تحقق این الزامات، زمینه‌ساز افزایش تولید، اشتغال، جذب سرمایه، ارتقای بهره‌وری و تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد کشور خواهد بود. سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در ادامه بیان کرد: فراکسیون کارآفرینی، رفع موانع تولید و اشتغال مجلس، حمایت از بخش خصوصی واقعی، اصلاح بسترهای قانونی، صیانت از حقوق مالکانه، رفع موانع سرمایه‌گذاری و تقویت امنیت اقتصادی را با جدیت دنبال می‌کند و معتقد است رونق تولید و تحقق رشد پایدار، در گرو اعتماد متقابل میان دولت، بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران است.

ایجاد فرصت اشتغال‌زایی با کار آفرینی



مهدی زیودار، عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان با اشاره به اهمیت کارآفرینی بیان کرد: ترجمه و برداشت‌های نادرست از مفهوم کارآفرینی در کشور، سبب شده بخشی از کارکردهای مهم و اولویت‌دار این پدیده سازنده اقتصادی و اجتماعی موردتوجه قرار نگیرد. بااین حال، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد هر کارآفرین به‌طور میانگین برای حدود ۱۰ نفر فرصت شغلی ایجاد می‌کند؛ آماري که البته باتوجه‌به شرایط جوامع مختلف، می‌تواند متفاوت باشد.

وی افزود: برخلاف تصور رایج، مطالعات جدید نشان می‌دهد میزان ریسک‌پذیری کارآفرینان لزوماً بیشتر از سایر افراد جامعه نیست. آنچه کارآفرینان را متمایز می‌کند، برخورداری از سرمایه‌های انسانی و اجتماعی و توانایی آنان در درک و مدیریت بهتر مخاطرات است؛ موضوعی که موجب می‌شود ریسک کمتری را نسبت به دیگران احساس کنند. این عضو هیأت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان با اشاره به محدودیت فرصت‌های شغلی در بخش‌های دولتی و خصوصی گفت: کمبود فرصت‌های استخدامی متناسب با دانش، تخصص و علائق افراد، ضرورت کسب مهارت‌ها و آمادگی لازم برای ورود به حوزه کارآفرینی را بیش‌ازپیش نمایان ساخته است. در این میان، جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاهی بیش از سایر گروه‌ها نیازمند توجه به این رویکرد هستند. زیودار یکی از پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی را تغییر نگرش افراد نسبت به موفقیت دانست و تصریح کرد: باید نگاه جامعه از پاداش‌های بیرونی و کوتاه‌مدت به سمت پاداش‌های درونی، ذهنی و بلندمدت تغییر کند. نتیجه چنین تغییری، گرایش بیشتر جوانان و دانش‌آموختگان به خوداشتغالی و به‌ویژه کارآفرینی خواهد بود.

وی همچنین بر اهمیت واگذاری بخشی از امور دولتی به کارآفرینان تأکید کرد و گفت: بسیاری از فعالیت‌هایی که در بخش دولتی با بهره‌وری پایین انجام می‌شوند، می‌توانند با سپردن به کارآفرینان و بخش خصوصی، با کارایی بیشتر و مدیریت شوند. توسعه کسب‌وکارهای خرد، کوچک و متوسط نیز می‌تواند نقش مهمی در رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید ایفا کند.

مدیرگروه کارآفرینی دانشگاه سیستان و بلوچستان در پایان خاطرنشان کرد: برای گسترش فرهنگ کارآفرینی، لازم است برخی خرده‌فرهنگ‌های آسیب‌زا مانند درماندگی آموخته‌شده، گرایش به درآمدهای محدود و کم‌اثر، و نگرش‌های منفی نسبت به فعالیت‌های مولد و کارآفریانه اصلاح شود. تغییر این نگرش‌ها می‌تواند زمینه‌ساز پذیرش گسترده‌تر کارآفرینی در جامعه و هدایت افراد توانمند و دارای مهارت‌های کارآفرینی به این حوزه باشد.

قاچاق کالا نه تنها منابع درآمدی دولت را تضعیف می‌کند، بلکه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بنیان‌های تولید ملی و کار آفرینی را نیز هدف قرار داده است

در سیاست‌های تجاری و کاهش ممنوعیت‌های غیرضروری، توسعه سامانه‌های نظارتی هوشمند به‌جای اتکای صرف به روش‌های سنتی کنترل. در این میان، اقدامات پیشگیرانه اهمیت ویژه‌ای دارند. زیرا مقابله با قاچاق پس از شکل‌گیری، هزینه‌برتر و پیچیده‌تر است.

قاچاق سازمان‌یافته؛ فراتر از کولبری

در افکار عمومی، قاچاق اغلب با تصاویری مانند کولبران یا خودروهای موسوم به «شوتی» تداعی می‌شود. اما واقعیت این است که بخش قابل توجهی از قاچاق در سطوح کلان‌تر و از مسیرهای پیچیده‌تر انجام می‌شود. این نوع قاچاق، که گاه با شبکه‌های سازمان‌یافته همراه است، حجم بسیار بیشتری از کالا را شامل می‌شود و تأثیرات عمیق‌تری بر بازار دارد. بنابراین، تمرکز صرف بر مقابله با قاچاق خرد، بدون توجه به لایه‌های بالاتر، نمی‌تواند به کاهش واقعی این پدیده منجر شود.

سخن پایانی

بخش تولید، همگی نشانه‌هایی از این مسیر نگران‌کننده هستند. اگر هدف، احیای تولید ملی و تقویت اقتصاد باشد، مقابله با قاچاق باید تولیدکننده داخلی توان رقابت ندارد، مصرف‌کننده قدرت خرید کافی ندارد و سیاست‌های اقتصادی با واقعیت‌های بازار همخوانی ندارد، قاچاق به‌عنوان یک مسیر جایگزین شکل می‌گیرد. اما ادامه این روند، هزینه‌ای سنگین برای آینده اقتصاد کشور خواهد داشت. تضعیف کارآفرینی، گسترش فعالیت‌های غیرمولد و کاهش سرمایه‌گذاری در

قوانین کار به نفع نسل زد تغییر می‌کند؟

شکل‌گیری است، نیروی کاری با ویژگی‌های شخصیتی متفاوتی را وارد بازار کار کرده است. این نسل‌ها انعطاف در محیط کار را بسیار مهم می‌دانند و در تعامل با کارفرمایان، به‌ویژه کارفرمایانی که متعلق به نسل‌های قبل هستند، با چالش‌هایی مواجه می‌شوند. این نسل‌ها به شدت از بازخوردهای کوتاه‌مدت در محیط کار تأثیر می‌پذیرند و حتی انتظار دارند بازخورد عملکرد خود را به صورت روزانه دریافت کنند. بخشی از این موضوع نیز جنبه‌های روان‌شناختی دارد و باعث شده است کارفرمایان نتوانند ارتباط مؤثری با این نسل برقرار کنند. بنابراین، باوجود چالش‌های مربوط به دستمزد، مهارت و حتی فاصله آموزش‌های رسمی دانشگاهی با نیازهای بازار کار، یکی از عوامل مهم محدود شدن نیروی کار در دسترس بنگاه‌ها، همین تحول نسلی است که در بازار کار در حال وقوع است.

حسینی با بیان اینکه درباره این موضوع بررسی‌ها در حال انجام است و اقدامات اولیه‌ای هم آغاز شده، گفت: البته برخی از برنامه‌ها به دلیل شرایط ناشی از جنگ با وقفه مواجه شد، اما پیشبرد برنامه‌ها در این حوزه، همچنان از راهبردهای جدی ماست و نیازمند فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی مناسب و حتی اصلاح برخی قوانین در این حوزه هستیم.

وی ادامه داد: بسیاری از قوانین موجود در حوزه روابط کار، بیمه و بازنشستگی، مربوط به دهه‌های گذشته است، در حالی که بازار کار امروز با تحولات جدی مواجه شده است. اگر این تحولات تا رسیدن به نقطه تعادل ادامه پیدا کند و ما برای آن آماده نباشیم، ممکن است با آسیب‌های جدی مواجه شویم. به همین دلیل، افزایش سرعت آگاهی‌بخشی به نسل جدید، نظام کارفرمایی و سایر ذی‌نفعان، از موضوعات بسیار مهمی است